

## آب و منازعات منطقه‌ای کشورهای آسیای مرکزی

ایراس:

با عنایت به اتکاء اقتصاد کشورهای آسیای مرکزی به صنعت کشاورزی، آب و مسئله تأمین آن دغدغه‌ای مهم برای کشورهای این منطقه بوده و است. هرچند در دوره شوروی، با عنایت به سیستم سیاسی متمرکز این دوره، موضوع مدیریت منابع آب منطقه آسیای مرکزی به هر طریق ممکن سامان می‌یافت، اما این مهم در دوره پسا شوروی با چالش‌های مختلفی همراه بوده است. کشورهای این منطقه به‌رغم برگزاری چندین دور گفتگو هنوز به راه‌حل مرضی‌الطرفینی برای استفاده مشترک از منابع آب دست نیافته و روند کنونی به ویژه تلاش‌های وسیع تاجیکستان و قرقیزستان برای ساخت سد و استفاده از آب برای تولید برق بر مشکلات موجود افزوده است.

از قرن نوزدهم به بعد، سیاست کشاورزی در آسیای مرکزی بر افزایش تولید پنبه و گندم تأکید داشت. زیرا روسیه و سپس شوروی قصد داشتند از اتکای خود بر واردات این دو قلم از محصولات کشاورزی بکاهند. بنابراین اقتصاد تک محصولی بر جمهوری‌های آسیای مرکزی حاکم گشت. اما پس از استقلال کشورهای آسیای مرکزی در 1991م، به دلیل زیر ساختار فرسوده و نو مدیریت، مصرف آب  $1/5$  برابر بیش از آنچه باید می‌بود، افزایش یافت. به علاوه افزایش جمعیت، توسعه کشاورزی (به ویژه اتکا به تولید پنبه که آب زیادی نیاز دارد) و نیازهای صنعتی، میزان مصرف آب در آسیای مرکزی را گسترش داد. دو رود مهم این منطقه (آمودریا و سیر دریا) تقریباً به طور کامل برای آبیاری پنبه از مسیر خود منحرف شده‌اند. در نتیجه سطح آب دریاچه آرال از 1964 تا 1984 حدود 7 متر پایین رفته است. بحران سخت محیطی که تقریباً با فقر گسترده و تنش‌های امنیتی این منطقه همراه شده

است، این منطقه را برای هر گونه طغیان و یا درگیری مستعد ساخته است.

به علاوه رهبران این کشورها تحت فشارهای محلی به ویژه از سوی کشاورزان برای بهبود اوضاع هستند و فشارهای بین المللی به این کشورها برای جلوگیری نمودن از خشک شدن بیشتر دریاچه آرال می‌باشد. و همچنین فقر گسترده در نواحی روستایی و نیز در دره فرغانه باعث ایجاد گروه‌های جدایی طلب و مبارز شده است. چنانکه از سال 1989 این دره صحنه بسیاری از حوادث خشونت آمیز بوده است. بنابراین بحث آب و مصرف اشتراکی آن در این منطقه تنش‌هایی را میان کشورهای آن ناحیه ایجاد نموده است. چهار منشأ کلیدی تنش بین این کشورها در این ارتباط عبارتند از:

1. فقدان مدیریت منسجم آب.
2. قصور در پایداری یا تعیین سهمیه آب.
3. اختلاف بر سر قراردادهای پایا یا پای و پرداخت ها.

4. عدم اطمینان درباره طرح‌های زیر بنای آبی باید اذعان داشت که در آسیای مرکزی به مقدار کافی آب وجود دارد ولی استفاده بی حد و حصر از آب و اختلاف‌های درونی و بیرونی کشورها بر سر توزیع آب متضمن این واقعیت است که آب بیش از آن که عامل همکاری باشد سبب رقابت گردیده است. بنابراین آسیای مرکزی از لحاظ منابع آب غنی است ولی بیش از 90 درصد این منابع از کوهستان‌های قرقیزستان و تاجیکستان سرچشمه می‌گیرند و منازعاتی بین آنان و کشورهای پایین دست رودخانه وجود دارد. در منطقه آسیای مرکزی دو رود مهم، یکی سیر دریا که از قرقیزستان و دیگری که از تاجیکستان سرچشمه می‌گیرد و پس از طی مرزهای برخی جمهوری‌های منطقه به دریای آرال می‌ریزند، حائز اهمیت می‌باشند. رود سیر دریا پس از عبور از تاجیکستان، ازبکستان، ترکمنستان و قزاقستان و رود آمودریا نیز پس از عبور از ازبکستان و ترکمنستان به دریای آرال می‌ریزند. حدود

40 درصد از منابع آب این منطقه در قرقیزستان می‌باشد.

با توسعه کشاورزی، این رودخانه عمده در آسیای مرکزی هدف هجوم رقابت آمیز پنج کشور آسیای مرکزی برای برداشت آب از آن ها قرار گرفته است. زیرا به جز قزاقستان اکثر کشورهای منطقه در روستاها زندگی می‌کنند و به کشاورزی اشتغال دارند. به ویژه محصول پنبه که میراث شوروی سابق می‌باشد نیاز عمده این کشورها برای تأمین ارز لازم خود می‌باشد که البته بدلیل مصرف زیاد آب توسط این محصول، پیامدهای زیست محیطی به دنبال خواهد داشت. به علاوه فقدان سیستم قیمت‌گذاری باعث مصرف زیاد آب در منطقه شده است و بدلیل فرسودگی و سنتی بودن سیستم‌های آبیاری، مصرف آب افزایش داشته و تغیر و تعویض این سیستم، هزینه بالایی را طلب می‌نماید که اقتصاد این کشورها قادر به تأمین آن نمی‌باشد. بنابراین انشعاباتی که بعضاً در مسیر رودخانه‌ها صورت پذیرفته و یا تصمیم برخی از کشورهای منطقه در احداث دریاچه و سد، اختلافات میان آن ها را افزون‌تر نموده است.

اتکای برخی کشورهای این منطقه به کشاورزی باعث شده است که آبیاری و لزوم استفاده از آب این رودها از جمله مسائل امنیتی آنها محسوب شود، که ازبکستان و ترکمنستان از آن جمله‌اند. قرقیزستان و تاجیکستان تنها 20 درصد از اراضی حوزه دریای آرال را در اختیار دارند، ولی حدود 80 درصد از منابع آب ناحیه آرال را تأمین می‌کنند. لذا قرقیزستان کنترل جریان آب بر طول رودخانه سیر دریا تا دریاچه و سد توکتوگول را بر عهده دارد و تاجیکستان در نظر دارد دریاچه عظیمی در راغون بر رودخانه وخش که یکی از انشعابات عمده آمودریاست ایجاد کند. کشورهای بخش پایین دست رودخانه برای مقابله با افزایش کنترل در بخش علیای رودخانه، طرح‌هایی برای احداث دریاچه و سد دارند که تنظیم برنامه منسجم مدیریت سیستم

منطقه ای را دشوارتر و بغرنج تر می‌سازد. آب بیش از همه منابع موضوع اختلاف های سیاسی شده است. بر اساس اظهارات یک پژوهشگر (پیتز گلیک) «تقویم مناقشات بر سر آب در سال 2000» آب از آغاز قرن گذشته تاکنون عامل حداقل 42 مورد از درگیری های خشونت آمیز بوده است. از آنجا که کشورها مصرف آب را از حد امکانات موجود گذرانیده و فشار بی‌سابقه ای را بر میزان آب زیرزمینی وارد می‌سازند، نگرانی‌هایی بر سر درگیری های تازه در زمینه این منبع قوت گرفته است. در این چارچوب آسیای مرکزی به دلایل متعدد منشأ نگرانی می‌باشد:

V شبکه های آب منطقه را طرح و مدیریت دوره شوروی بسیار در هم تنیده ساخته است. این شبکه ها در حال حاضر می‌بایست توسط 5 کشور اغلب متخاصم و بدون داشتن تمایلی به همکاری اداره شود. V کشورهای آسیای مرکزی در بخش اعظمی از بازده اقتصادی خود به شدت به آبیاری متکی می‌باشند. کشاورزی آبی به نخبگان کشور پول و کنترل لازم برای اداره دار و دسته خود جهت ماندن در رأس قدرت را فراهم می‌آورد.

V مدیریت ضعیف آب و استفاده بیش از حد از آن منطقه را در برابر خشکسالی آسیب پذیر ساخته و فاجعه های زیست محیطی را از آن نوع که پیش از این در اطراف دریای آرال شاهد بوده ایم سبب می‌گردد.

V کشورهای آسیای مرکزی به نحو فزاینده ای مواضع بهره برداری از منابع را در بیشترین حد ممکن در پیش گرفته اند، در حالی که مصرف در نرخی غیر قابل دوام همچنان رو به افزایش است.

V کشورهای پایین دست در مسیر رودخانه ها (ازبکستان، قزاقستان و ترکمنستان) به لحاظ اقتصادی و نظامی از کشورهای بخش علیای رودخانه ها (مانند تاجیکستان و قرقیزستان) قوی ترند. این عدم توازن خود می‌تواند عامل مهمی در جهت بروز مناقشات بر سر آب باشد.

اتکای متقابل به یکدیگر و به شدت به آب که از مرزهای این کشورها عبور می‌کند خود می‌تواند عامل بازدارنده‌ای محسوب شود، زیرا این کشورها در اثر چنین درگیری‌هایی بر سر آب ضرر و زیان‌های هنگفتی را متحمل خواهند شد. توسل به جنگ راه بسیار پرهزینه‌ای برای سیطره بر منابع آب می‌باشد و بیشتر دولت‌های منطقه نیل به قرارداد را در این زمینه ترجیح می‌دهند. آب همچنین در درگیری‌های داخلی نقش کلیدی دارد. در واقع به گفته پژوهشگران فوق‌الذکر خطر خشونت بیشتر در مورد منازعات کم دامنه‌تر محلی وجود دارد. این نظر را مناقشات محلی آسیای مرکزی که نسبت به مناقشات در سطح وسیع‌تر بسیار تهدید کننده‌تر و جدی‌تر می‌باشد تأیید می‌کند. آب همچنین در احساس تنش گسترده در طول منطقه دخیل است.

هیچ یک از این مسائل نمی‌تواند موجب بروز جنگ تمام عیار در آسیای مرکزی گردد با این حال این مسائل در میان کشورهای منطقه موانع اصلی را در راه توسعه اقتصادی ایجاد می‌کند و سبب افراط گرایی می‌گردد و گاه کار به خشونت کشیده می‌شود. فرسایش خاک کشاورزی و کمبود آب همچنین سبب می‌شود که فرصت‌های اقتصادی اندکی در برابر خیل مردان جوان وجود داشته باشد و آنان را بیش از پیش به پیوستن به گروه‌های مخالف سوق دهد. اختلاف‌ها بر سر آب و انرژی بر بخش عظیمی از جمعیت به ویژه در نواحی حساس مانند دره فرغانه که ازبک‌ها با سیل زمستانی و خشکسالی تابستانی به سبب آن که قرقیزستان از آب سد برای تولید برق استفاده می‌کند مواجه‌اند، تأثیر گذارده است. قرقیزها هم به نوبه خود در زمستان از سرما خواب راحت ندارند زیرا ازبکستان از تحویل گاز در قبال آب برای آبیاری مزارع طفره می‌رود.

در پی سقوط اتحاد جماهیر شوروی بی‌درنگ ازبکستان و قزاقستان قیمت‌های جهانی را برای گاز، زغال و مازوت خود مطالبه نمودند. قرقیزستان که توان پرداخت این قیمت‌ها را نداشت برای فقدان سوخت خود در زمستان تولید برق نیروگاه آبی توکتوگل

را افزایش داد. این کشورها همچنین با افزایش تقاضا برای برق در داخل مواجه بود. بر اساس آمار منابع رسمی در قرقیزستان تقاضا در این کشور در سال 2000، 20 درصد بیشتر از سال 1991 بود که دلیل عمده آن کاهش گاز به ویژه در بخش جنوبی کشور بود. تولید فزاینده برق در نیروگاه سد توکتوگل مسائل بسیاری را برای ازبکستان و قزاقستان به وجود آورد. قرقیزستان نه تنها جریان عادی آب در سیر دریا را مختل ساخت بلکه آب موجود را برای آبیاری در تابستان و بهار در ازبکستان و قزاقستان کاهش داد. این امر سبب اختلاف های شدید گردیده است.

علی‌رغم مسائلی که بر سر نیل به اجرای توافقی بین دولتی وجود دارد، کشورهای آسیای مرکزی دریافته‌اند که نیل به نوعی تفاهم بر سر رودخانه‌های سیر دریا و آمودریا به نفع آنها تمام خواهد شد. از آنجا که تصویب سهمیه‌های مورد قبول همسایگان میسر نبوده است یک رشته از توافقی‌های دو جانبه و چندجانبه برای تنظیم جریان آب به امضا رسیده است. مهمترین این توافقی‌ها، قراردادهایی بوده است که در سال 1998 میان قرقیزستان، ازبکستان و قزاقستان به امضا رسیده است. این قراردادها 50 ساله می‌باشد و شرایط دقیق آنها هر ساله مورد مذاکره قرار می‌گیرد. در این قرارداد مبادله آب از قرقیزستان در برابر گاز از ازبکستان و ذغال و مازوت از قزاقستان پیش‌بینی شده است.

افقی‌های چند جانبه دیگری از جمله توافقی بر سر اندازه‌گیری جریان آب و توافقی درباره عملیات مشترک سیستم‌ها در ژوئن 1999 به امضا رسید. ازبکستان و ترکمنستان قراردادهای دو جانبه‌های را در سال 1996 برای تقسیم آب آمودریا پایین قرشی در جنوب ازبکستان به طور مساوی امضا کردند. همچنین قراردادهایی که سالانه تجدید می‌شود، استفاده از آب و انرژی را به ویژه بین تاجیکستان و ازبکستان با یکدیگر مرتبط می‌سازد.

بنابراین همه کشورها ضرورت یافتن راه حلی را برای مسئله آب دریافتند و چارچوب قراردادی در سال 1998 مورد مذاکره قرار گرفت. قراردادهای پایا یا اکنون بر مبنای سالانه منعقد می‌شود. بر اساس این قرارداد، ازبکستان، گاز و قزاقستان ذغال سنگ برای نیروگاه‌های حرارتی در بیشکک و اوش در قرقیزستان در قبال آب برای آبیاری در بهار و تابستان قرار می‌دهند. قرقیزستان کماکان ناگزیر به خرید گاز برای مصرف داخلی از ازبکستان است.

رودخانه سیر دریا، قرقیزستان، قزاقستان و ازبکستان را در یک رشته از توافقات پایا یا برای ارائه آب و ارسال انرژی به یکدیگر مرتبط می‌سازد. در بیشتر موارد این قراردادها به مسخره گرفته و سبب اختلاف‌های شدید بین کشورها می‌شوند. ارزیابی مجدد قراردادها، احتمالاً در درون کنسرسیوم جدید انرژی سیر دریا، تنش در اطراف منابع کلیدی رودخانه را افزایش می‌دهد. کسانی که در ازبکستان قربانی سیل‌ها و خشکسالی شدند و اتباع قرقیزستان که طی ماه‌های زمستان بی‌برق ماندند به تدریج ناراضی خود را از رفتار کشورهای همسایه علنی ساختند.

بنابراین کشورهای سیر دریا که در طول رودخانه سیر دریا قرار دارند در مورد ایجاد یک کنسرسیوم آب و انرژی به مذاکره پرداختند. ازبکستان از این مذاکرات کناره گرفت، اما قرقیزستان و قزاقستان کماکان به مذاکره ادامه می‌دهند، چنانچه این کنسرسیوم تأسیس گردد، تاجیکستان نیز در آینده به آن ملحق خواهد شد. اشتیاق قرقیزستان برای نیل به ظرفیت جدیدی از تولید برق قابل درک است. تردید چندانی وجود ندارد. که بخش انرژی این کشور بحرانی است. قطع مکرر گاز ازبکستان و صدور نامرتب ذغال و مازوت قزاقستان، قرقیزستان را ناگزیر ساخته است تا تولید برق را از هنگام استقلال تا امروز 20 درصد افزایش دهد.

تاجیکستان و ازبکستان نیز در این بحث دچار اختلاف هستند. تاجیکستان در نظر دارد یا با افزایش سهمیه آب خود از رودخانه آمودریا یا با تغییر جهت رودخانه زرافشان به بهبود سیستم آبیاری اش پردازد. انحراف مسیر این رودخانه سبب اختلاف جدی با ازبکستان که از 95 درصد جریان آب رودخانه استفاده می‌کند می‌شود. چنانچه تاجیکستان دست به چنین اقدامی بزند تأمین آب شهر سمرقند در ازبکستان به شدت به مخاطره خواهد افتاد. اما بدلیل وابستگی تاجیکستان در بسیاری از اقلام وارداتی به ازبکستان، نادیده گرفتن ازبکستان از سوی تاجیکستان نمی‌تواند صورت بگیرد. با این وجود چون آمودریا از تاجیکستان سرچشمه می‌گیرد کشورهای پایین دست رودخانه نمی‌توانند اقدام چندانی برای جلوگیری از افزایش سهمیه آب توسط دوشنبه انجام دهند.

در زمینه تولید انرژی نیز تاجیکستان به واردات برق و گاز از ازبکستان در فصل زمستان نیاز دارد. ولی علاقمند است برای قطع اتکای خود به ازبکستان و صدور نیروی برق به کشورهای همسایه تولید برق آبی خود را توسعه دهد. تاجیکستان با افزایش تولید برق به راحتی می‌تواند نیاز داخلی را برآورده سازد اما این امر نه تنها نیازمند سرمایه گذاری عمده‌ای در این زمینه می‌باشد، بلکه اثر منفی بر کشور ازبکستان که در بخش پایین دست مسیر رودخانه قرار دارد گذارده و دسترسی فصلی آنان را به منبع آب مشکل ساخته و بنابراین موجبات ناسازگاری بیشتر را بین کشورها بوجود می‌آورد. در ارتباط با اختلافات ازبکستان و ترکمنستان راجع به آب باید گفت؛ زندگی حدود 8 میلیون نفر در ازبکستان و ترکمنستان به آب رودخانه آمودریا بستگی دارد. دو کشور مزبور در سال 1996 توافقی در زمینه تقسیم مساوی آب بین خود امضا کردند. نمایندگان ازبکستان و ترکمنستان رسماً می‌گویند که از اجرای این قرارداد خشنودند. با این حال کارشناسان آب ازبکستان و سیاستمداران در استان خوارزم و جمهوری خودگردان قره‌قالپاقستان از این امر

گله مندند که ترکمنستان آب بسیار زیادی برداشت می‌کند.

کارشناسان ازبک خاطر نشان می‌سازند که تقسیم مساوی آب آمودریا بین ترکمنستان و ازبکستان غیر منصفانه است زیرا 14 میلیون نفر در ازبکستان به آب رودخانه آمودریا متکی هستند در حالی که در ترکمنستان فقط 4 میلیون نفر به آب این رودخانه وابسته‌اند. علاوه بر این ازبکستان زمین بیشتری را می‌بایست آبیاری کند و آب می‌بایست مسافت‌های طولانی تری را طی کند. در نظر آنان، از نقطه نظر جمعیتی، کل زمین نیازمند به آبیاری و نیز ضایعات آب به هنگام تعیین سهمیه آب می‌بایست در نظر گرفته شود. ازبکستان همچنین ادعا می‌کند که ترکمن‌ها از سهمیه خود تجاوز می‌کنند، ترکمنستان و ازبکستان هر یک حق دارند حدود 20 کیلومتر مکعب آب از آمودریا بردارند. در واقع گفته می‌شود ترکمنستان بالغ بر 30 کیلومتر مکعب آب برداشت می‌کند. سرانه مصرف آب ترکمنستان به سبب مدیریت بسیار ضعیف آب حدود دو برابر ازبکستان است. در آبراه قره قوم مهم ترین انشعاب از آمودریا که اراضی ترکمن را سیراب می‌سازد دو برابر زمان شوروی آب جریان دارد، اما نگهداری آن بخوبی صورت نمی‌گیرد. به تدریج گل و لجن در آن انباشته می‌شود و به طور روز افزونی از کارایی آن کاسته می‌گردد و بر ضایعات آب اضافه می‌شود. حل این مسئله دو راه دارد: یا می‌بایست به هزینه‌های گزاف بازسازی کانال تن داد و یا به میزان برداشت آب از رودخانه آمودریا هر روز افزود. تاکنون راه دوم غالب بوده است.

با توجه به تقاضای بالقوه افغانستان برای آب بیشتر از آمودریا و طرح‌های آبی ترکمنستان برای ایجاد مخازن، چنین به نظر می‌رسد که روابط ازبکستان - ترکمنستان بر سر مسئله آب تیره تر شود. به علاوه در اکتبر سال 2000 م ترکمنستان

کار احداث عظیم ترین دریاچه مصنوعی را در صحرای قره قوم به نام دریاچه قرن طلایی آغاز کرد و این نگرانی در ازبکستان ایجاد شد که ترکمنستان برای حفظ سطح آب این دریاچه آب از رودخانه خواهد کشید. و لذا درست همان گونه که دریاچه سد توکتوگل مهمترین مسئله امنیتی برای ازبکستان را تشکیل می دهد دریاچه قرن طلایی نیز مهم ترین منشأ اختلاف با ترکمنستان می باشد. این پروژه همچنین دارای یک بعد قومی نیز می باشد. بالغ بر یک میلیون ازبک در استان داشخوز ترکمنستان زندگی می کنند و قرار است به مجرد تکمیل شدن دریاچه این مردم در آن جا اسکان داده شوند.

چنانچه ترکمنستان بخواهد مصرف آب خود را از آمودریا افزایش دهد، عواقب این امر برای ازبکستان فاجعه آمیز خواهد بود. استان های اورگنج و قره قالپاقستان با کمبود آب بیشتری مواجه خواهد شد. پی آمدهای این امر همچنین برای دریای آرال خطر ناک خواهد بود. این دریا طی سال های 2000 و 2001 آب از آمودریا نگرفت و با توجه به کمبود آب در این ناحیه و فشار فزاینده بر منابع موجود آب بعید به نظر می رسد که طی سال های بعد هم می توان از این رودخانه آب دریافت نماید. و لذا در صورت پایین رفتن سطح آب دریاچه آرال نگرانی ها افزایش یافته و نتایج فاجعه آمیز زیست محیطی بدنبال خواهد داشت.

ترکمنستان همچنین در نظر دارد 450000 هکتار دیگر از اراضی خود را طی سه سال آینده به زیر کشت ببرد و این امر نگرانی قابل ملاحظه ای را برای ازبک ها فراهم آورده است. تاشکند نیز طرح های مشابهی را دنبال می کند و از آنجا که آمودریا بیش از این ظرفیت برداشت آب را ندارد مشکل می توان گفت که آب مورد نیاز این طرح ها از کجا می بایست تأمین شود. در خاتمه باید گفت مسئله آب عامل مهمی در تیرگی روابط میان کشورهای آسیای مرکزی بوده و منشأ مناقشات محلی خواهد بود و

طرح های مربوط به آن تنها در قالب منطقه ای و نه ملی و با همکاری کامل کشورهای منطقه چاره کار خواهد بود.